



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 88

سری سوم، شماره 88 ویژه نامه

November 2020

آذر 99

سر دبیر: مینو همتی

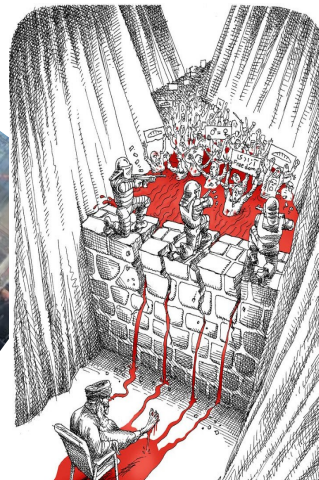
Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



پیش زمینه ها و پس لرزه های خیزش آبان مصاحبه ی اختصاصی با آذر مدرسی دبیر کمیته ی مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)



پیش زمینه ها و پس لرزه های خیزش آبان

گفتگوی مینو همتی با آذر مدرسی

کتر از رفتن جمهوری اسلامی رضایت نمی‌دهد. افزایش قیمت بنزین بهانه‌ای بود اما آن خشم و آن بشکوهی باروت در خیزش آبان ماه منفجر شد و جهان را متوجه اوضاع بحرانی و در عین حال جنبش اعتراضی آن جامعه کرد. یک جنبش رادیکال، بی‌توهم، برای آزادی، برای رفاه و برای امنیت. شاید این ویژگی آبان ماه است و همانطور که گفتیم پیش‌زمینه‌های آن را باید در چهل سال تحمیل سیستماتیک استبداد، تبعیض، نابرابری، فقر و فلاکت در آن جامعه دید.

مینو همتی: مطالبات مردم معترضی که به خیابانها آمدند کماکان در کف خیابان است و با نحوه برخورد حکومت به کرونا، انبوهی از مطالبات جدید بر آن انباشته شده، بنظر شما مهمترین مطالبات مردم کدامند؟

آذر مدرسی: همانطور که خودتان هم گفتید این مطالبات هنوز پابرجا هستند. هیچکدام از آن مطالبات نه تنها پاسخ نگرفته‌است، نه تنها جامعه خودش را حتی یک سر سوزن نزدیکتر به اینکه فقر کمتری داشته باشد، رفاه بیشتری داشته باشد، آزادی بیشتری داشته باشد نمی‌بیند، بلکه بحران کرونا معضلات پیشین را پیچیده‌تر، عمیق‌تر و ابعاد آن را بسیار بسیار گسترده‌تر کرده‌است. امروز دیگر خود جمهوری اسلامی از اینکه فقر میلیونی است و اینکه کل طبقه‌ی کارگر ایران زیر خط فقر زندگی می‌کند حرف می‌زند. ابعاد بحران کرونا را در هیچ کجای دنیا نمی‌توان با آمار قربانیان دید. ابعاد بحران کرونا را در تعمیق فقر و فلاکت و گسترش بیکاری، و همچنین با نشان دادن تناقض های بنیادی‌ای که کاپیتالیسم با زندگی بشر دارد می‌توان دید.

ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. در ایران‌ای که در آن فقر، گرانی، استبداد، بی‌مسئولیتی دولت نسبت به جان شهروندان بیداد می‌کند، و در ایرانی که در آن نئولیبرالیسم و خصوصی‌سازی و در نتیجه رها کردن زندگی انسان‌ها به دست بازار آزاد و دولتی که در آن فساد مالی و رشوه بیداد می‌کند، بحران کرونا همه‌ی این مسائل را عمیق‌تر و بنیادی‌تر کرد. معلوم شد در آن کشور بیشتر از هر جای دیگری طب، تنها و تنها متعلق به یک قشر ممتاز است. معلوم شد در آن جامعه تنها و تنها زندگی یک قشر ممتاز اهمیت و ارزش دارد. معلوم شد میلیون‌ها میلیون انسانی که در آن جامعه زندگی می‌کنند مداوای رایگان شامل حال آنها نمی‌شود. و معلوم شد اولین قربانیان هر تلاطمی در این جامعه طبق معمول و طبق معمول و طبق معمول میلیون‌ها انسان زحمتکش هستند.



کسی بخواهد به زمینه‌های خیزش آبان نگاهی بیاندازد باید به زمینه‌های تحمیل فقر، فلاکت، بیکاری، تعرض مداوم و سیستماتیک به معیشت جامعه، بی‌مسئولیتی مطلق حاکمیت – مستقل از اینکه چه کسی امروز دولت را تشکیل داده‌است – و تعرض چهل ساله به آزادی بیش از هشتاد میلیون نفر در آن کشور نگاه بیاندازد. در نتیجه زمینه‌ها یا پیش‌زمینه‌های خیزش آبان ماه را باید در خیزش دی‌ماه و یا اعتراضات توده‌ای پیش از آن که به صورت متناوب در جامعه‌ی ایران می‌دیدیم جستجو کرد. اعتراض به سرکوب، اعتراض به اعدام، اعتراض به بیکاری، اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها، اعتراض به دستمزدهای معوقه، اعتراض به فقر تحمیل شده به اقشار مختلف آن جامعه؛ این‌ها همه پیش‌زمینه‌های خیزش دی‌ماه بود. شاید تفاوتی که خیزش آبان‌ماه با خیزش دی‌ماه و یا اعتراضات پیش‌تر داشت این بود که خیزش آبان بر روی شانه‌های جامعه‌ای ایستاده بود که دیگر نه فقر را می‌تواند تحمل کند، نه فلاکت بیشتر را می‌تواند تحمل کند و نه استبداد بیشتر و نه حاکمیت مذهبی سرتاپا سیاه را. و از تمام پیشروی‌هایی که اعتراضات قبلی در همه‌ی زمینه‌ها کرده بودند، با پس زدن تمام توهمات که جامعه در دوره‌هایی داشت به اینکه ممکن است از طرق دیگری غیر از ایستادن تمام قد در مقابل جمهوری اسلامی بتوان بهبودی را در آن جامعه به وجود آورد، استفاده کرد. روی شانه‌های اعتراضات پیشین، روی شانه‌های خشم خفته‌ی مردم علیه حاکمیت سیاهی که غیر از فاجعه و توحش و فقر در آن جامعه هیچ دستاورد دیگری نداشته‌است و یک بار دیگر تمام قد اعلام کرد که به هیچ چیزی

یکسال از خیزش سراسری آبان می‌گذرد، علیرغم سرکوب وحشیانه حکومت اسلامی، زندان و اعدام معترضین، جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در سراسر کشور و در اشکال گوناگون حاکمیت استعمارگران را به چالش کشیده‌است. بهمین مناسبت در برنامه امشب از آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی حزب حکمتیست – خط رسمی دعوت کردیم تا در مورد پیش‌زمینه‌ها و پس‌لرزه‌های خیزش آبان به گفتگو بنشینیم.

<https://youtu.be/iT6rQLu5KO4>

مینو همتی: آذر مدرسی عزیز به برنامه رهایی زن خوش آمدید.

آذر مدرسی: من هم به شما و به بینندگان عزیز سلام می‌کنم.

مینو همتی: در نزدیکی سالگرد خیزش آبان هستیم، پیش‌زمینه‌های آن خیزش سراسری از نظر شما چه بود؟

آذر مدرسی: ببینید، خیزش آبان ظاهراً در اعتراض به سه برابر شدن قیمت بنزین در عرض یک شبانه‌روز آغاز شد. اعتراضی که به شدت و به سرعت سراسری شد و تقریباً تمام شهرهای ایران را در بر گرفت و میلیون‌ها نفر در اعتراض به گرانی، فقر و تعرض سیستماتیک که جمهوری اسلامی به معیشت‌شان می‌کند به خیابان‌ها آمدند. هم شاهد صحنه‌هایی شور انگیز از اعتراض مردم بودیم و هم صحنه‌هایی تاسف‌بار و خشونت‌آمیز از سرکوب جمهوری اسلامی. خیلی ساده‌انگارانه خواهد بود اگر، مانند جمهوری اسلامی، خیزش آبان را به اعتراض به گرانی بنزین و ناکارآمدی دولت حاکم، که گویا می‌بایست این افزایش قیمت را قدم به قدم و نه ناگهانی اجرا می‌کرد، محدود بدانیم. خیزش آبان ادامه‌ی خیزش دی‌ماه بود. اگر

در نتیجه بحران کرونا بر ابعاد و گسترش آن مطالبات و ابعاد و گسترش انسان‌هایی که آن مطالبات را مطرح می‌کنند و بخش‌های مختلف جامعه که آن مطالبات را دارند اضافه کرد. اگر تا دیروز تنها بخشی از طبقه‌ی کارگر زیر خط فقر زندگی می‌کرد و مثلاً کارگران نفت و پتروشیمی و گاز شامل کارگرانی بودند که زندگی بهتری داشتند، امروز ما شاهد این هستیم که این بخش از کارگران هم به صف فقرا و آن بخشی از طبقه‌ی کارگر که زیر خط فقر زندگی می‌کنند پیوسته‌است. اگر تا دیروز تنها بخشی از جامعه‌ی به قول خود جمهوری اسلامی «طبقه‌ی متوسط» جزو لایه‌های پایینی جامعه و بخش کم درآمد جامعه محسوب می‌شد، امروز بخش‌های بیشتری از جامعه سوق داده شده‌اند به سوی بخش‌های محروم و کم درآمد و کسانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند. هنوز هم حاضر نیستند آمار دقیق بیکاران را به جامعه اعلام کنند. اما بسته شدن مراکز تولیدی، بسته شدن مراکز خدماتی، بسته شدن مراکز توریستی؛ تمام اینها، همانطور که در تمام دنیا شاهد آن هستیم خیل بیکاران را وسیع و وسیع‌تر کرده‌است. ویژگی‌ای که جمهوری اسلامی و دولت‌های بورژوازی در خاورمیانه و شاید آمریکای لاتین دارند این است که هیچ مسئولیتی را در قبال جامعه نمی‌پذیرند. و اگر کسی بیکار می‌شود بیمه‌ی بیکاری مکفی و متناسب با دستمزد و یا متناسب با تورمی موجود نیست. اسما موجود است اما از چندین میلیون بیکار شاید چندصد هزار نفر آن را دریافت می‌کنند. طب رایگانی که در آن جامعه موجود باشد برای اینکه شما مستقل از اینکه شاغل هستید یا بیکار، مشمول آن بشوید موجود نیست. رفت و آمد رایگان برای کسانی که شغل‌شان را از دست داده‌اند اما ناچار هستند جابجا بشوند موجود نیست. در نتیجه بحران کرونا نه تنها مطالبات روی زمین مانده را گسترده‌تر کرد، بلکه مسائل و مطالبات دیگری را دارد به مطالبات مردم اضافه می‌کند. مطالباتی مانند طب رایگان، مسئولیت دولت نه تنها در مقابل تامین بهداشت جامعه و مصون کردن جامعه در مقابل ابتلا به ویروس کرونا و مداوای کسانی که به واسطه‌ی این ویروس بیمار شده‌اند، بلکه مسئله‌ی فقر اقشار بیشتر، تامین زندگی این اقشار و تامین زندگی مردمی که بر اثر کرونا با فقر روبرو شده‌اند را به انتظارات مردم و توقع مردم از جمهوری اسلامی افزود. و باید گفت که بحران کرونا، بحران‌های پیشین، چه بحران سیاسی، چه بحران اقتصادی، چه تناقض مردم با جمهوری اسلامی را عمیق‌تر و گسترده‌تر کرد و خود این زنگ خطری است که امروز سران و مسئولین جمهوری

اسلامی به همدیگر می‌دهند و می‌گویند "اگر به داد مردم نرسیم باید شاهد آبان‌های دیگر و دی‌ماه‌های دیگر و به خطر افتادن کل جمهوری اسلامی باشیم".

مینو همتی: تعداد بسیاری از کادر زحمتکش پزشکی بر اثر کمبود امکانات و برخورد‌های غیرمسئولانه حکام اسلامی جان خود را در مبارزه با کرونا از دست دادند. زنان بخش قابل ملاحظه‌ای از کادر درمانی را تشکیل می‌دهند که دوشادوش همکاران مرد خود برای نجات جان بیماران تلاش می‌کنند. بنظر شما مردم چگونه میتوانند از مطالبات برحق این عزیزان حمایت کنند؟

آذر مدرسی: پیش از اینکه به این بپردازیم که مردم چگونه می‌توانند از مطالبات این بخش دفاع کنند، شاید بهتر باشد به خود این بخش نگاهی بیاندازیم. پزشکی شاید نه، اما شغل پرستاری در تمام جوامع بورژوازی جزو مشاغلی است که اغلب زنان در آن شاغل هستند و بخش عمده‌ی پرستاران را زنان تشکیل می‌دهند. پرستاری جزو شغل‌های شاق و در عین حال کم درآمد، و از زاویه‌ی دید دولت‌ها - و تا پیش از بحران کرونا - جزو مشاغل کم اهمیت و کم ارزش در جامعه محسوب می‌شد. و بحران کرونا نشان داد که برعکس، چگونه در زمان پدیده‌ای به نام 'بلای طبیعی' یا یک ویروس، برای مردم و دفاع از زندگی‌شان کدام بخش واقعا ضروری و لازم است. حداقل در کشورهای اروپایی در دل بحران کرونا یک چیزی سر زبان‌ها افتاد و آن هم این بود که "الآن معلوم شد که اگر یک روز یک بیمارستان بسته بشود هزاران هزار نفر کشته می‌شوند اما اگر یک ماه مجلس و یا پارلمان بسته بشود هیچ اتفاقی نمی‌افتد. و شاید اتفاقاً به نفع مردم هم باشد. چون فرصت نمی‌کنند قوانینی را علیه مردم تصویب کنند." و این جایگاه واقعی پرستاران و کسانی که در خط مقدم جنگ در برابر کرونا ایستاده‌اند را نشان می‌دهد. این شاید وضعیت بخش اعظم پرستاران در تمام دنیا است.

اما در ایران، علاوه بر اینکه این عزیزان در خط مقدم جنگ علیه این ویروس هستند، چند مؤلفه‌ی دیگر مخاطرات جدی‌ای را برای زندگی‌شان به وجود آورده‌است از جمله بی‌مسئولیتی دولت در تامین مسائل ایمنی برای این عزیزان و همینطور فقر تحمیل شده‌ی چند ساله. کسی فراموش نکرده که تا پیش از کرونا پرستاران جزو بخش‌های معترض جامعه بودند. جزو بخش‌هایی بودند که به طور دائم و مستمر در اعتراض به فقری که به آنها تحمیل می‌شد، در اعتراض به ساعات کار طولانی، در اعتراض به

شرایط نامناسب کار، در اعتراض به موقعیتی که در آن جامعه دارند و در اعتراض به درآمد کمی که دارند؛ همیشه صدای اعتراض‌شان را، در کنار بخش‌های دیگر جامعه می‌شنیدیم. در نتیجه بحران کرونا وضع این بخش از جامعه و سربازان خط مقدمی که بدون سلاح قرار است به جنگ و پیروسی بروند که هنوز کسی نمی‌داند که چگونه باید با آن مبارزه کرد، را به شدت نامناسب‌تر کرده و آنها را در معرض خطر جانی قرار داده‌است. خود شما هم به آن اشاره کردید. جمهوری اسلامی هنوز هم حاضر نیست آمار رسمی آن را اعلام کند و شما باید از لایه‌ی اخبار، از گفته‌های مردم، بیماران و پزشکان بشنوید که چندصد نفر و یا شاید چند هزار نفر از این عزیزان جان خودشان را در این جنگ نابرابر از دست داده‌اند. اینها سربازان خط مقدم این جنگ هستند و همانطور که گفتم بدون سلاح به این جنگ فرستاده شده‌اند.

در نتیجه فکر می‌کنم در این دوره‌ی بحرانی، این بخش از جامعه و این ارتشی که برای این جنگ به راه افتاده و به اصطلاح سازمان داده شده و مشغول جنگ است، باید زندگی‌اش تامین باشد، باید خیالش راحت باشد که فرزندش، همسرش و خانواده‌اش در رفاه زندگی می‌کنند و با فقر دست و پنجه نرم نکنند و خودش خیالش آسوده باشد که با بهترین و کامل‌ترین امکانات به این جنگ می‌رود و از زندگی مردم در آن جامعه دفاع می‌کند. این‌ها باید از مطالبات اصلی و جدی بخش‌های مختلف جامعه باشد. تامین زندگی‌شان، اطمینان خاطر از اینکه این بخش از جامعه بدون فشار‌های دیگر، بدون تحمل فشار زندگی، بدون فشار ناامنی خانواده، بدون فشار از دست دادن شغل، بدون سیزده تا بیست ساعت کار کردن در شبانه روز، سر کار می‌رود و آماده‌است که از زندگی تک‌تک ما دفاع بکند و جان تک‌تک ما را نجات بدهد. به نظر من دفاع از مطالباتشان تضمین این است که آماده هستند و بهترین امکانات را در این جنگ دارند. و در عین حال خیال‌شان راحت است از اینکه زندگی‌شان تامین است، و با بیکاری تهدید نمی‌شوند. دقیقاً در همین دوره‌ی کرونا بخش بزرگی از پرستاران را به محض کاهش تعداد مبتلایان به این ویروس به اخراج تهدید کردند که باز هم باید از لایه‌ی اخبار می‌شنیدیم.

این فشارها باید از روی این بخش برداشته بشود و در عین حال تضمین بشود که آماده و با بهترین امکانات به جنگ این ویروس می‌روند و از زندگی تک‌تک ما دفاع می‌کنند. فکر می‌کنم یکی دیگر از زوایایی

که بحران کرونا در جامعه باز کرد این بود که چه کسانی هستند که این جامعه را روی چارچوب آن نگه داشته‌اند. شما اگر کارخانه را ببندید اقتصاد کشور مختل می‌شود، بیمارستان را ببندید زندگی مردم به خطر می‌افتد اما اگر پارلمان و دولت را ببندید شاید اتفاقاً جامعه نفسی بکشد که «کسی بالای سرم نیست که مرا سرکوب بکند و یا فقیرترم بکند.» و این یکی از آن چیزهایی است که بحران کرونا نشان داد و به نظر من ارزش و جایگاه حداقل این بخش از جامعه را در مقابل چشم همگان قرار داد. همهی دولت‌ها سعی کردند با کف زدن و قدردانی‌های پوشالی نشان بدهند که با مردم همگام هستند و درک می‌کنند که این عزیزان چه جایگاهی دارند اما در دنیای واقعی نه در انگلستان، نه در اروپا، نه در ایران - در ایران هزار بار بدتر - زندگی این عزیزان نه تنها یک سر سوزن بهتر نشد بلکه با مخاطرات جدی‌تری در همی ابعادش روبرو شده و از این زاویه باید جایگاه ویژه‌ای را در مطالبات مردم در برابر جمهوری اسلامی داشته باشند.

مینو همتی: در شرایط کنونی که رژیم به انتهای خط حیل و نیرنگ و سرکوب رسیده و در عین حال از عهده تامین آب و نان مردم هم برنمی‌آید، بنظر شما آلت‌رناتیوهای موجود برای برون رفت از این فلاکت کدامین راه حل را ارائه می‌دهند؟

آذر مدرسی: ببینید اگر تنها یک نگاه سطحی به جامعه بیاندازیم ممکن است در نگاه اول این استنباط را بتوان داشت که بحران کرونا نه تنها دامنه فقر را گسترش داد بلکه به جمهوری اسلامی امکان داد تا بهانه‌ای برای بن‌بست و ورشکستگی اقتصادی خودش پیدا بکند و این بار تمام تقصیر را، نه فقط به گردن تحریم‌های اقتصادی بلکه به گردن کرونا هم بیاندازد؛ این تصویر سطحی به دست می‌آید که این مسائل جامعه را به عقب رانده و طبقه‌ی کارگر و مردم محروم را در موقعیت نامناسب‌تری قرار داده‌است. اما این صرفاً سطح مسئله است. و ممکن است در جوامع دیگری که اعتراضات به این درجه نبوده و در جوامع دیگری که در آن مبارزه با حاکمیت تا این درجه توده‌ای و وسیع نبوده و جامعه تا این حد قطبی نشده‌است، این تصویر از جامعه صدق کند. اما در مورد ایران اکتفا کردن به تنها این حقیقت می‌تواند تصویر اشتباهی را به ما بدهد. یقیناً بحران کرونا وقفه‌ای را در جامعه ایجاد کرده‌است. سایه‌ی سیاه بیماری، سایه‌ی سیاه فقر بیشتر، از دست دادن کار و ... حتماً بر روی جامعه تاثیر داشته است و جامعه را به درجه‌ی زیادی به این مسئله مشغول می‌کند؛ مخصوصاً اینکه در

هیچ کجای دنیا هیچ دورنمایی در دست نیست که آیا تا شش ماه دیگر یا یک سال دیگر یا دو سال دیگر یا شش سال دیگر واکنشی پیدا می‌شود و می‌تواند این این ویروس را از بین ببرد و بشریت را از دست این ویروس خلاص کند، آن‌هم در صورتی که ویروس‌های دیگری پیدا نشوند. اینها حتماً تاثیر داشته‌است و بالاخره شرایط را برای اعتراض مردم و خواست‌ها و مطالباتشان نامساعدتر کرده‌است. اما در دل همین شرایط نامناسب در ایران روزی نیست که شما شاهد ده‌ها اعتراض نباشید - بخصوص اعتراضات کارگری - برای رفاه، بهبود زندگی، پرداخت دستمزدهای معوقه، برای مقابله با کرونا و اینکه می‌گویند «نمی‌شود که بدون هیچ امکاناتی سر کار رفت و این غیر قابل قبول است.» روزانه شاهد ده‌ها اعتراض از مراکز بزرگ صنعتی، تا مراکز کوچک، تا کارگران شهرداری تا تمام بخش‌های مختلف طبقه‌ی کارگر هستیم. در نتیجه شرایط برای مردم نامساعدتر و پیچیده‌تر از پیش از کروناست، چه برای مطالبات اقتصادی‌شان و چه مطالبات رفاهی‌شان و امکانی را به جمهوری اسلامی داده‌است. اما همانطور که گفتم خود این اعتراضات نشان دهنده‌ی این است که جامعه فریب اینکه بحران کرونا باعث این معضلات شده را نخواهد خورد. به نظر من خودآگاهی‌ای که بخش‌های مختلف جامعه‌ی ایران دارند نسبت به اینکه هر معضلی کجا قرار گرفته‌است، تحریم اقتصادی بر روی زندگی ما چقدر تاثیر دارد، بحران کرونا تا چه حدی بحران اقتصادی را تشدید می‌کند و در اصل ورشکستگی و بن‌بست اقتصادی و فساد و رشوه‌خواری در این حاکمیت چقدر در فقر این جامعه نقش دارد به حدی بالاست که هیچ کس نمی‌تواند معادلات را عوض کند و به راحتی اعلام کند که «نه، همه چیز تقصیر کرونا بود و یا همه چیز تقصیر تحریم‌ها بود.»

در این دوره ما شاهد این هستیم که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از این فضا بیشترین استفاده را بکند و سرکوب را گسترش بدهد. شاهد بگیر و ببند‌های مداوم هستیم. اما اگر کسی دقت بکند می‌بیند که جمهوری اسلامی با احتیاط بسیار زیادی این بگیر و ببند‌ها را انجام می‌دهد. می‌گیرد، دستگیر می‌کند، زندانی می‌کند، برای اینکه نشان بدهد «من هنوز جنگ و دندان دارم» و پس از مدت کوتاهی آزاد می‌کند؛ چون می‌داند که اگر فشار زیادی وارد کند با یک عکس‌العمل تند و وسیع و بدتر از آبان برای آنها روبرو خواهد شد. در نتیجه جمهوری اسلامی حتی در سرکوبش، حتی در گسترش فقرش، حتی

در تقابلش با اعتراضاتی که امروز در آن جامعه در جریان است به شدت محتاط است و سعی می‌کند که این توازن را نگه دارد و سعی می‌کند که در عین حال که نشان می‌دهد که جنگ و دندان دارد باید مراقب باشد که اگر این دندان را کمی بیشتر از این بر این جسمی که در زیر فشار فقر دارد خرد می‌شود فروکند، این جسم به غولی تبدیل می‌شود که همه‌شان را نابود می‌کند و از این زایه به شدت محتاط هستند. در نتیجه اگر کسی بخواهد توازن قوا را نگاه کند تا ببیند که به نفع چه کسی است باید این تصویر را در تمام ابعاد آن ببیند. بحران کرونا مسائل را پیچیده‌تر کرده. شرایط مبارزه را برای طبقه‌ی کارگر، برای زنان، برای تمام بخش‌های مختلف آن جامعه، چه برای رفاه و چه برای آزادی، پیچیده‌تر کرده‌است. اما تاثیری بر توازن قوا نداشته‌است. تاثیری بر اینکه این جامعه هنوز هم بر روی این مسئله و این خودآگاهی خودش و این مطالبه‌ی خودی‌اش ایستاده که زندگی بدون جمهوری اسلامی زندگی بهتری است، نتوانسته تغییری ایجاد بکند. و همچنین نتوانسته تغییری در اعتماد به نفس مردم ایجاد کند. ممکن است که ما امروز شاهد اعتراضات توده‌ای وسیع در خیابان‌ها که هیجان عده‌ای را برانگیزد و فکر بکنند که فقط در خیابان بودن نشانه‌ی توازن قواست نباشیم، اما ما در رفتاری که حاکمیت با جامعه می‌کند، در احتیاطی که می‌کند، در هراسی که دارد از اینکه فشار زیادی می‌تواند این بشکمی باروت را منفجر کند متوجه توازن قوا می‌شویم. به نظر من توازن قوا تغییری نکرده‌است. شرایط متفاوت شده‌است اما توازن قوا هنوز همان توازن قوایی است که ما در آبان و در دی‌ماه داشتیم و مطمئن باشید آن جامعه به محض اینکه سر سوزنی اطمینان حاصل کند که کرونا را از سر گذرانده‌است، برمی‌گردد و دوباره تمام قد در مقابل جمهوری اسلامی می‌ایستد. به نظر من توازن قوا هنوز به ضرر جمهوری اسلامی است و جمهوری اسلامی هنوز سایه‌ی آبان‌ماه و سایه‌ی یک جنبش رادیکال و انسانی و برابری طلبانه برای سرنگونی خودش را حس می‌کند و این را باید از زبان خودشان شنید. هشدارهای مداوم که قبلاً هم به آن اشاره کردم نشان از این توازن قواست و نشان می‌دهد که بحران کرونا نتوانسته که توازن قوا را تغییر بدهد و این سایه هنوز بر سر جمهوری اسلامی سنگینی می‌کند و منشأ این سایه قدرت مردم و نفرت مردمی است که از پایین چند بار قدرت خودشان را در برابر جمهوری اسلامی نشان داده‌اند و آماده هستند برای تعرضات بعدی.

مینو همتی: در شرایط کنونی که رژیم به انتهای خط حبله و نیرنگ و سرکوب رسیده و در عین حال از عهده تامین آب و نان مردم هم برنمیاید، بنظر شما آلترناتیوهای موجود برای برون رفت از این فلاکت کدامین راه حل را ارائه میدهند؟

آدر مدرسی: ببینید اگر بخواهیم بگوییم آلترناتیو برای برون رفت از این وضعیت چیست، نه تنها برای سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه برای برون رفت از این اوضاع فلاکت‌بار کنونی جامعهی ایران، از بن بست اقتصادی، از استبداد سیاسی، نابرابری و تبعیضی که در جامعهی ایران ریشه‌های بیش از چهل سال دارد، به نظر من آلترناتیوی بجز یک انقلاب آزادی‌خواهانه و کارگری برای زیور و کردن کل این نظام وجود ندارد. و این سیستم و بنیادهای آن که بدون استثمار، بدون تحمیل فقر به اکثریت جامعه، بدون استبداد نمی‌تواند در آن جامعه حاکمیت بکند - مستقل از اینکه شکل این استبداد مذهبی است یا غیر مذهبی، روبنای آن جمهوری است یا سلطنت - تنها با یک انقلاب کارگری سرنگون می‌شود. در نتیجه بدون یک انقلابی که مؤلفه‌های این وضعیت را از بین ببرد ما شاهد بهبود در زندگی مردم و خلاصی از این وضعیت - نه فقط جمهوری اسلامی - نیستیم. عده‌ای ممکن است آلترناتیوهای دیگری را مطرح کنند اما به نظر من آلترناتیوهای بورژوازی دیگر، که تغییر را تنها در مدیریت، شکل حکومت، افراد و یا بخش‌های مختلفی از بورژوازی عنوان می‌کنند آزمایش خودشان را پس داده‌اند. ببینید، رفتن سلطنت و آمدن جمهوری اسلامی نشان داد که تغییر شکل حکومت اصلاً کافی نیست. شما باید بنیادهایی که چنین حکومت‌هایی می‌توانند بر پایه‌ی آنها زندگی کنند را از بین ببرید. چه در سیستم قبلی، چه در سیستم امروز، سهم کارگر همیشه فقر بوده، آن جامعه با تبعیض روبرو بوده، ما همیشه با نابرابری در آن جامعه - به اشکال متنوع - روبرو بوده‌اید. چه در سیستم قبلی و چه در سیستم امروز مذهب نقش اساسی را در حاکمیت داشته‌است. و اینها چیزهایی هستند که نه ناشی از مدیریت بد هستند، نه شکل حکومت و نه خبائت افرادی که آن بالا نشسته‌اند. منافعی زمینی‌تر، بنیادی‌تر، مؤلفه‌هایی اقتصادی‌تر، زیرساختی‌تر که این شکل از حاکمیت و این نوع از زندگی در آن جامعه را ضروری می‌کند و به اکثریت جامعه تحمیل می‌کند. در نتیجه اگر کسی بخواهد از جمهوری اسلامی خلاص بشود می‌تواند مانند شبلی با یک کودتای نظامی این کار را بکند و مثلاً بگوید "ارتش بیاید اما سپاه نه." همانطور که چهل سال پیش فکر کرد از شاه و سلطنت

حزب کمونیستی و یک حزب کارگری مانند حزب حکمتیست - خط رسمی، یک وظیفه‌ی جدی بر عهده دارد و آن هم این است که بتواند جامعه را به سرعت از این وضعیت عبور بدهد. مهمترین مسئله این است که در برابر تمام آلترناتیوهای که در مقابل جامعه قرار می‌دهند ما باید همیشه و به سرعت نشان بدهیم که این آلترناتیوها راه به ناکجا آباد می‌برند؛ ما باید نشان بدهیم که قدرت جامعه در کجا نهفته است و تلاش کنیم این قدرت سازمان پیدا بکند و تلاش بکنیم این مردم به قدرت خودشان اعتماد پیدا کنند و سازمان یافته، با اعتماد به نفس، با یک خودآگاهی بالا بتوانند در جدال نهایی با جمهوری اسلامی برای زیر و رو کردن بنیادهای سیستم موجود و نظام موجود یک زندگی بهتر را برای خودشان به ارمغان بیاورند. این شاید سر خط مهمترین کارهایی است که یک حزب کمونیستی و کارگری، حزبی که تنها برای رفاه و آزادی و سعادت و امنیت شهروندان آن جامعه مبارزه می‌کند باید در دستور خودش بگذارد و ما آن را در دستور خودمان گذاشته‌ایم.

با سپاس از اینکه در این برنامه شرکت کردید و نظراتتان را با بینندگان ما در میان گذارید.

امیدوارم در فرصت‌های آینده بیشتر و به تفصیل درباره این سوال آخرتان گفتگو کنیم.

با سپاس از سعید محمدی برای پیاده کردن و ویرایش متن مصاحبه

رهايي پيدا كرد و به جمهوري رسيد. اما اگر شما آن زير را تغيير ندهيد، اگر آن سكوي كه اينها بر روي آن ايستاده‌اند و به اصطلاح با بن آن را مرتباً محكم مي‌كنند را نشكنيد، هر كسي كه سر كار بيايد همان سيستم را با كمی تفاوت ادامه مي‌دهد. درنتيجه خلاص شدن از وضعيت فعلی، نه فقط از جمهوري اسلامي، آلترناتیو فقر، استبداد، نابرابری، تبعیض جنسی، قومی، مذهبی و هر شکلی از تبعیض که شما در آن جامعه می‌بینید و ديروز هم دیدید، تنها و تنها یک انقلابی است که توسط طبقه‌ی کارگر رقم بخورد. طبقه‌ای که هیچ نفعی در استثمار ندارد، هیچ نفعی در تحمیل فقر به هم طبقه‌ای‌های خودش و بخش‌های دیگر جامعه ندارد، هیچ نفعی در تحمیل استبداد ندارد، هیچ نفعی در تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی ندارد، هیچ نفعی در منتسب کردن من و شما به فارس و گُرد و تُرک و ایرانی و غیر ایرانی و شیعه و سنی و فلان زیرشاخه‌ی شیعه یا سنی ندارد، تنها این طبقه است. و آلترناتیو این طبقه است که می‌تواند ما را از کل این لجنزاری که برایمان درست کرده‌اند رها کند. به نظر من آلترناتیوهای دیگر که می‌گویند "ادامه‌ی وضع موجود به شکلی دیگر" امتحان خودشان را پس داده‌اند. و آن چیزی که خیزش دی‌ماه را ویژه می‌کند، این خودآگاهی وسیع در آن جامعه است. امروز بخش جدی‌ای از طبقه‌ی کارگر اعلام می‌کند "اگر نمی‌توانید (جامعه را) اداره کنید، آن را به من بدهید تا اداره کنم." و اتفاقاً به اعتبار همین حرف اعتراض‌ش توده‌ای می‌شود، رهبران‌ش رهبران جامعه می‌شوند، مدل اعتراض‌ش مدل توده‌ای می‌شود و به یک اتوریته‌ی جدی تبدیل می‌شود؛ نه اتوریته‌ای در مقابل مردم محروم، بلکه اتوریته‌ای در مقابل حاکمیت و آن را فلج می‌کند. درنتیجه به نظر من جامعه به این خودآگاهی رسیده است و بحث تنها بر سر چگونه متحقق کردن این آلترناتیو و چگونه خلاص شدن از جمهوری اسلامی و تبدیل آن به خلاص شدن از نظام حاکم، و اینکه چگونه آلترناتیوهای دیگر و خواب‌هایی که برای ایران دیده‌اند را کنار بزنند، موانع را رفع کند و به پیش بروند.

مینو همتی: شما بعنوان دبیر یک حزب سیاسی درگیر در مبارزه طبقاتی، نقش احزاب سیاسی را در تسریع عبور جامعه از این وضعیت غیرقابل تحمل چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آدر مدرسی: من الآن تنها به حزب کمونیستی می‌پردازم. احزاب دیگر می‌توانند نقش‌های دیگری را در سیر تحولات آتی بر عهده بگیرند. ببینید من فکر می‌کنم که یک

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دو ماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzeaei.p@gmail.com